

تبیین اثرات برنامه‌های توسعه شهری بر سرمایه اجتماعی در مواجهه با جهانی شدن

سمیه رستم‌آبادی: پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس، تهران، ایران.
حمیدرضا صارمی*: دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
آرش بغدادی: استادیار گروه شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس، تهران، ایران.

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: فرایند سریع شهری شدن در جهان و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه و نحوه مواجهه با جهانی شدن از مهم‌ترین موضوعاتی است که شهرسازی ایران را با چالش جدی مواجه کرده است. این موضوع سبب شده برنامه‌ریزی شهری در ایران در دهه‌های گذشته توان مواجهه با چالش‌های برخاسته از جهانی شدن را نداشته و به‌طور کامل تحت سیطره‌ی آن درآمده است. یکی از الگوهای رویارویی با این چالش، تعمیق بخشی به افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه است، این پژوهش در پی آن است که نقش برنامه‌های توسعه شهری را از منظر توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی در مواجهه با جهانی شدن تبیین کند و اینکه آیا می‌توان اثرات منفی جهانی شدن را در برنامه‌های شهری از طریق تقویت سرمایه‌ی اجتماعی تعدیل کرد.

روش پژوهش: این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی با رویکردی ترکیبی (کمی و کیفی) است و واحد آن در بُعد کیفی بهره‌گیری از متخصصین و مدیران حوزه‌ی برنامه‌ریزی شهری در شهر تهران و در بُعد کمی با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۵۶ نفر مورد سؤال قرار گرفته‌اند. همچنین، سند پایه در این پژوهش آخرین طرح جامع تهران است.

یافته‌ها: پژوهش نشان می‌دهد که برنامه‌های شهری در مواجهه با دو نوع سرمایه اجتماعی «مقیدساز» (درون گروهی) و «پل زننده یا پیونددهنده» (بین گروهی) بیشتر منجر به افزایش سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز شده است؛ و با ایجاد گروه‌هایی که این طرح‌ها را در انحصار خود دارند اثرات منفی جهانی شدن مانند تشدید فردیت، تشدید شکاف طبقاتی و... را تشدید کرده‌اند.

نتیجه‌گیری: طرح‌های شهری می‌توانند با انتخاب رویکرد مشارکتی سرمایه اجتماعی پیونددهنده را در سطوح مختلف تقویت نموده و پیامدهای منفی جهانی شدن را تضعیف کنند.

واژگان کلیدی: برنامه‌های توسعه شهری، سرمایه اجتماعی، جهانی شدن.

Explaining the effects of urban development programs on social capital in confrontation with globalization

Abstract

Introduction and purpose of the research: the rapid process of urbanization in the world, especially in developing countries, and how to confront with globalization is one of the most important issues that has faced Iran's urban planning with a serious challenge. This has caused urban planning in Iran in the past decades to be unable to face the challenges of globalization and has been completely dominated by it. One of the models of facing this challenge is the increase of social capital in the society, this research seeks to explain the role of urban development programs from the perspective of paying attention to the concept of social capital through the strengthening of social capital in the face of globalization and whether it is possible to reduce the negative effects of globalization.

Research method: this research is descriptive-analytical type with a combined approach (quantitative and qualitative) and its unit in the qualitative dimension is the use of experts and managers in the field of urban planning in the city of Tehran and in the quantitative dimension using the Cochran formula, the number of 356 person (urban planning expert and practitioner) have been questioned. Also, the basic document in this research is the last master plan of Tehran

Findings: The research shows that urban programs in facing two types of social capital "bonding" (inter-group) and "bridging" (intra-group) have led to an increase in bonding social capital. And by creating groups that monopolize these plans, they have intensified the negative effects of globalization, such as the intensification of individuality, the intensification of the social class gap, etc.

Conclusion: By choosing a collaborative approach, urban plans can strengthen the connecting social capital at different levels and weaken the negative consequences of globalization.

Keyword: urban development plans, social capital, globalization

مقدمه

جهانی‌شدن پدیده‌ای است که امروزه اکثر شهرهای دنیا را در ابعاد مختلفی متأثر از خود کرده است. تهران نیز به عنوان پایتخت ایران و برخوردار از جمعیتی بالای ده میلیون نفر به‌طور گسترده‌ای تحت تأثیر پیامدهای جهانی‌شدن قرار دارد. این شهر در جایگاه مرکز سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از بُعد کالبدی شهری ناهمگون با فشردگی مفهوم زمان و مکان و در ابعاد اجتماعی و فرهنگی با الگوی غیربومی به کلان‌شهری بی‌هویت تبدیل شده است. به این ترتیب، این الگوی ناکارآمد به سایر کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ کشور تسری پیدا کرده و آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

میزان اثرپذیری شهرها از پدیده جهانی‌شدن از یک‌سو، تابعی است از هویت آن جامعه و میزان آگاهی و اعتماد در سطح جامعه. همچنین، میزان مشارکت و تعاملات اجتماعی افراد نیز بر نحوه مواجهه آن‌ها با پیامدهای این پدیده تأثیرگذار است. به بیان دیگر، میزان سرمایه اجتماعی در جامعه، خصوصاً مؤلفه‌های اجتماعی آن، در نحوه مواجهه آن جامعه با پیامدهای پدیده جهانی‌شدن مؤثر است.

از سویی دیگر، دگرگونی الگوواره‌ی حاکم بر نظریه و عمل برنامه‌ریزی شهری، در نیمه دوم قرن بیستم، از رویکردی تکنوکرات و از بالا به پایین به رویکردی مشارکتی و از پایین به بالا، تأکید بر مفهوم سرمایه اجتماعی و ارتقاء آن در کلانشهرها را بیش‌ازپیش پراهمیت کرده است.

در بررسی‌های صورت گرفته بر روی اسناد برنامه‌ریزی و طرح‌های توسعه شهری در ایران به‌رغم آثار مثبت‌شان این برنامه‌ها به بخش قابل توجهی از اهداف خود دست نیافته‌اند. در مطالعات و بررسی‌های مختلف، دلایل متعدد عدم تحقق اهداف برنامه‌های مذکور موردبررسی قرار گرفته‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به عدم مشارکت و بی‌توجهی به سرمایه اجتماعی اشاره کرد (خوش‌فر و کرمی، ۱۳۹۳: ۶۵)؛ اما همچنین تحقیقات نشان داده است که سرمایه اجتماعی می‌تواند به‌طور مثبتی به طیف وسیعی از حوزه‌ها کمک می‌کند که برنامه‌ریزان شهری تلاش می‌کنند تا از طریق طرح‌ها و سیاست‌های برنامه‌ریزی از جمله: توسعه پایدار (Roseland, 2000; Hatfield-Dodds & Pearson, 2005)، مشارکت مدنی (Ziersch et al., 2011; Kirk-), اعتماد (Lyons & Snox- by- Geddes et al., 2013)، و انسجام اجتماعی، شمول اجتماعی^۱ و ایمنی

1. inclusion

Baum et al., 2009; Poortinga, 2012; Bromell) Osborne, et) آن را ترویج نمایند (al, 2016: 213).

اما گرچه در طرح‌های شهری از ابتدا بخش مطالعات اجتماعی بخش ثابتی بوده است، لیکن تحلیل محتوای این برنامه‌ها و تحلیل اثر آن‌ها بی‌حاصلی این مطالعات را در پیشنهادات و نهایتاً اجرای این برنامه‌ها نشان می‌دهد. به واقع نبود پایه نظری قوی و متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی ایران سبب می‌شود که این ابعاد نتوانند به‌صورت کاربردی و تأثیرگذار مطرح شوند (براتی و یزدان پناه شاه‌آبادی، ۱۳۹۴: ۳۹۰).

به این ترتیب، این پژوهش می‌کوشد چگونگی و میزان اثرگذاری برنامه‌های توسعه شهری در کشور را - با تأکید بر آخرین طرح جامع تهران - بر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در جامعه درک کند؛ درکی که درنهایت بازشناسی الزامات، راهکارها و پیش‌نیازهای ارتقا سرمایه اجتماعی در کشور را ممکن کرده و منجر شود که جامعه در مواجهه با چالش جهانی‌شدن پیامدهای منفی را به حداقل رسانده و از منافع آن بیشتر منتفع شود. بدین‌سان پرسش اصلی این پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود: چگونه می‌توان اثرات منفی جهانی‌شدن را در برنامه‌های شهری از طریق تقویت سرمایه‌ی اجتماعی تعدیل کرد.

۱. پیشینه پژوهش

مرور ادبیات نشان می‌دهد پژوهش‌های زیادی در خصوص رابطه‌ی میان برنامه‌ریزی شهری و سرمایه‌ی اجتماعی و میان برنامه‌ریزی شهری و جهانی‌شدن مطالعه شده است. در بررسی رابطه‌ی میان برنامه‌ریزی شهری و سرمایه‌ی اجتماعی که بسیار هم‌موردتوجه و استقبال پژوهش‌های دانشگاهی است، غالباً سرمایه‌ی اجتماعی مؤلفه‌ای مطلقاً مثبت تلقی شده که می‌بایست برای اهداف گوناگونی تقویت گردد.

مجید نادری (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان تبیین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در فضاهای عمومی شهری به شناسایی متغیرها و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی پرداخته و ارتباط معنادار بین مؤلفه‌های معماری شهری و کیفیت فضاهای شهری با میزان سرمایه اجتماعی یافته است.

سعید اسکندری (۱۳۹۲) در مطالعه تطبیقی سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی در بین محلات شهر ارسنجان به شناسایی ارتباط بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی در مقیاس محله‌ها پرداخته است و ارتباط مستقیم و معناداری بین مؤلفه‌های هویت

اجتماعی و سرمایه اجتماعی یافته است.

روح‌الله مرادی (۱۳۹۲) در مطالعه بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه محله‌های شهری اراک به شناسایی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نحوه توسعه‌های محله‌ای پرداخته است و راهبردهایی را در راستای ارتقاء کمی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی ارائه داده است.

حسن صادقی (۱۳۸۹) در مطالعه جهانی‌شدن اقتصاد و اثرات آن بر اندازه دولت و اشتغال نیروی کار در کشورهای آسیایی به شناسایی تأثیرات مثبت و منفی پدیده جهانی‌شدن بر اقتصاد دولت‌ها و فضای کسب‌وکار در کشورهای در حال توسعه پرداخته است و به ضرورت تهیه برنامه جامع برای دولت‌های روبرو با چالش‌های جهانی‌شدن جهت تعدیل آن‌ها و نه رفع کامل مشکلات پرداخته است.

سید احمد فیروزآبادی (۱۳۸۴) به بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران پرداخته است و با شناسایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و بررسی کمی آن‌ها در فضای شهری به مؤلفه‌های بومی شده سرمایه اجتماعی در محدوده مورد مطالعه و راهبردهای ارتقاء آن‌ها دست یافته است.

اما آن‌چه کم‌تر مورد توجه بوده است این است که از چه نوعی از سرمایه‌های اجتماعی و سرمایه‌های اجتماعی در چه قشری سخن گفته می‌شود. در این پژوهش‌ها معمولاً ابعاد و اثرات منفی که برنامه‌ریزی شهری می‌تواند از طریق تولید سرمایه‌های اجتماعی در بین اقشار جامعه ایجاد کند مورد توجه قرار نگرفته است. از سوی دیگر جهانی‌شدن نیز غالباً به صورت مؤلفه‌های منفی در نظر گرفته می‌شود که فقط باید آن را از طرق مختلف از جمله تقویت سرمایه‌های اجتماعی خنثی کرد و پتانسیل‌های جهانی‌شدن به مثابه عاملی پیش‌برنده در هر جامعه‌ای - که اگر نتوان واکنش مناسب به آن را به موقع نشان داد اثرات مخربی بر جامعه خواهد داشت - غالباً نادیده گرفته می‌شود. با توجه به این خلأها و کمبودها، در این پژوهش به بررسی رابطه‌ی برنامه‌ریزی شهری با هر دو نوع مثبت و منفی سرمایه اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر ابعاد مختلف جهانی‌شدن می‌پردازیم.

۲. مبانی نظری

۲-۱. جهانی‌شدن: فرصت‌ها و چالش‌های آن برای برنامه‌ریزی شهری

جهانی‌شدن به منزله «ایده بزرگ» (Held et al., 2017, p. 483) و مسئله‌ای مهم در سال‌های اخیر به یکی از پرتکرارترین مفاهیم در تحلیل‌های دانشگاهی و حرفه‌ای به‌ویژه در رشته‌های علوم اجتماعی و به تبع آن

برنامه‌ریزی شهری (Richardson & Bae, 2005: 1)، رسانه‌های جمعی و عرصه خطامشی عمومی تبدیل شده است و با این حال، معنای آن هنوز چندان واضح نیست. واژه جهانی‌شدن نخستین بار برای طرح تحولاتی که در عرصه اقتصادی پدید آمد، به کار گرفته شد. پس از آن و به سیاق موضوعات اقتصادی، در موضوعات دیگری نظیر قاچاق مواد مخدر و تروریسم که دامن‌گیر ملل متعددی بود به کار رفت (تهرانیان و افتخاری، ۱۳۹۴: ۲۶). بدین ترتیب، جهانی‌شدن به منزله پدیده‌ای چندبعدی دیده می‌شود (Tomlinson, 1999: 7) که ابعاد مختلفی توسط صاحب‌نظران مختلف برای آن بر شمرده شده است. کوهان و نای (۲۰۰۱)، بر مبنای انواع شبکه‌ها، جریان‌ها و اتصالات ادراکی که در شبکه‌های گسترده فضایی رخ می‌دهد، چهار بعد جهانی‌شدن را شامل الف) اقتصادی شامل مالی، ب) نظامی یا راهبردی، ج) محیطی و د) اجتماعی فرهنگی می‌دانند (Keohane & Nye, 2000: 4). چاکراورتی (۲۰۰۵)، جهانی‌شدن را دارای دو عنصر می‌داند: جهانی‌شدن اقتصادی که به ادغام بازارهای جهانی دلالت دارد؛ و جهانی‌شدن ایدئولوژیکی که به ایده‌های سیاسی اشاره دارد که موجب گسترش بازارها، تجارت و دموکراسی می‌شود (Chakravorty, 2005: 29). پراتون و همکارانش، جهانی‌شدن را مشتمل بر ابعاد اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و تکنولوژیکی دانسته (Perraton et al, 1997: 258) و گریوز (۲۰۱۵) سه بعد اصلی آن را شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی می‌داند و اشاره می‌کند که پیامدهای متعددی نظیر تضعیف نقش دولت ملی، ظهور بخش‌های اقتصادی جهانی مشترک یا استاندارد شدن نیازهای مشتری، پیامد مستقیمی بر موجودیت‌های کسب‌وکار در سراسر جهان دارند (Grębosz & Hak, 2015: 69).

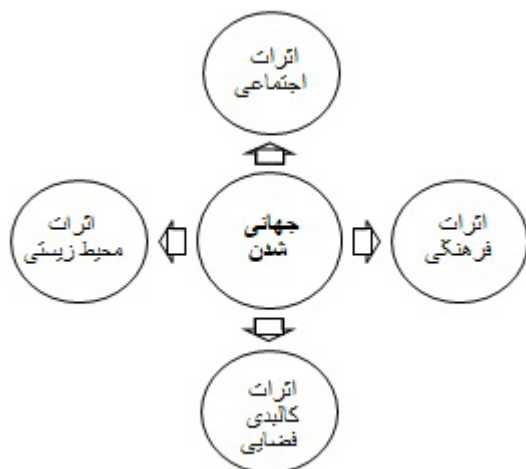
جهانی‌شدن را می‌توان به مثابه علت مشکلات شهری بی‌شماری تفسیر کرد که از جمله انواع آلودگی‌ها (شامل آلودگی هوا، آب، خاک و جز آن‌ها)، انواع بیماری‌ها (شامل بیماری‌های قلبی، سرطان، بیماری‌های خودایمنی و سایر بیماری‌های شایع در سبک زندگی شهری و استرس و کم‌تحرکی ناشی از آن)، گسترده شدن فقر شهری، شکاف طبقاتی گسترده و زندگی غیررسمی (علیرغم وعده‌ی رفاه برای همه) را شامل می‌شود؛ اما از سوی دیگر جهانی‌شدن را می‌توان به عنوان منبع امکان‌ها و راه‌های جدید نیز دید: گرچه بیماری زیاد شده اما شمار مرگ‌ومیر بر اثر بیماری‌های همه‌گیر به شدت کاهش یافته است؛ امکانات بهداشتی و مراقبتی گرچه به صورت نابرابر اما بخش بیشتری از جامعه را به نسبت قبل پوشش می‌دهد؛ سکونت‌گاه‌های غیررسمی

گسترش یافته‌اند اما مصالح و تکنولوژی‌های ساخت پیشرفت محسوس‌تری داشته‌اند؛ زنان در جامعه بیش از قبل حضور دارند؛ پذیرش و گفت‌وگو با فرهنگ‌های متنوع گسترش یافته است؛ و انسان‌ها به علت بیشتر شدن امکان مواجهه با فرهنگ‌های مختلف (دست‌کم در فضای مجازی) آن‌ها را راحت‌تر قبول می‌کنند و این منجر به شنیده شدن و پذیرش بیشتر فرهنگ‌های اقلیت شده است. به تبع آن چه گفته شد چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی عرصه جهانی‌شدن در شهر به شرح جدول ۱ است:

جدول ۱: چالش‌ها و فرصت‌های مؤثر در عرصه جهانی‌شدن بر شهرها

فرصت‌ها	چالش‌ها	عرصه‌های جهانی‌شدن
<ul style="list-style-type: none"> - آشنایی و مواجهه با فرهنگ‌های مختلف و گسترش رواداری، پذیرش و اختلاط فرهنگی - ایجاد فضای تعامل و گفت‌وگو و حل تنش‌های اجتماعی موجود - پذیرش تکثر فرهنگ‌ها و قبول نظرات و هویت‌های مخالف 	<ul style="list-style-type: none"> - اثرات مخرب فرهنگی بر ارزش‌های ملی و بومی - تشدید تنش‌های اجتماعی به علت افزایش شکاف‌های طبقاتی و اقتصادی - جهانی‌شدن فرهنگ باعث کم‌رنگ شدن مرزها و از بین رفتن هویت محلی را تشدید می‌کند؛ 	<ul style="list-style-type: none"> - بخش فرهنگی
<ul style="list-style-type: none"> - امکان حضور در فضاهای جدید - تعمیق بخشی به هویت شهروندان با رویکرد شهروند مسئولیت‌پذیر - ایجاد منابع هویتی متکثر و خلق هویت‌های متکثر 	<ul style="list-style-type: none"> - شتاب بخشیدن به گسست فضا و مکان - سطحی، ضعیف و آسیب‌پذیر شدن شهروندی - تصلب هویتی و عدم تطبیق عناصر پایدار هویتی 	<ul style="list-style-type: none"> - بخش اجتماعی
<ul style="list-style-type: none"> - امکان تلفیق معماری سنتی و مدرن - امکان حضور در فضاهای رابطه‌ای به عنوان بعد جدیدی از هستی اجتماعی 	<ul style="list-style-type: none"> - تعارض مظاهر سنت و مدرنیته در معماری؛ - از دست رفتن هویت مکان و سرزمین تحت تأثیر عامل جهانی‌شدن 	<ul style="list-style-type: none"> - بخش کالبدی فضایی
<ul style="list-style-type: none"> - امکان خلق مدیریت‌های محلی - بررسی محیط‌زیست فراتر از مرزهای سرزمینی و توجه به مسائلی مانند گرمایش زمین و سوراخ شدن لایه اوزون و آلودگی 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم وجود یک برنامه‌ریزی جامع‌نگر و مناسب نبود - استقلال کافی برای حفاظت از محیط‌زیست شهری پایدار کلانشهرها؛ - تضاد میان قوانین موجود و برنامه‌های توسعه پایدار شهری 	<ul style="list-style-type: none"> - بخش محیط‌زیست شهری

منبع: نگارندگان ۱۳۹۷



در نتیجه چالش‌ها و فرصت‌های جهانی‌شدن را می‌توان در چهار بُعد فرهنگی، اجتماعی، کالبدی و محیط‌زیستی خلاصه کرد که هر کدام از این ابعاد با توجه به وضعیت شهر و نحوه مواجهه با اثرات مثبت منفی آن میزان تأثیرپذیری متفاوتی دارد.

نمودار ۱: ابعاد و اثرات جهانی‌شدن منبع: کوهان و نای (۲۰۰۱)

۲-۲. سرمایه اجتماعی در مواجهه با جهانی شدن

سرمایه اجتماعی قدرت و توانایی مردم برای برقراری ارتباط با یکدیگر در مواجهه با پدیده‌های اجتماعی است. کلمن (۱۳۸۶) سرمایه اجتماعی را با آنچه موجد آن است تعریف می‌کند؛ پدیده سرمایه اجتماعی تنها زمانی هستی می‌یابد و شکل می‌گیرد که نخست، در یک محیط اجتماعی معین (محیط واقعی یا مجازی) انسان‌هایی در برابر یکدیگر قرار گرفته باشند و دو دیگر، میان آن‌ها رابطه‌ای شکل گرفته باشد و جریان یابد. به این ترتیب، در یک تعریف جامع می‌توان چنین گفت که سرمایه اجتماعی، توان نهفته در روابط بین و میان افراد یک جامعه است که باعث انجام امورات آن جامعه می‌شود و به عنوان منبعی برای تسهیل روابط میان افراد تلقی می‌گردد. پیش‌شرط شکل‌گیری آن وجود فضایی است که در آن افراد حضور داشته و روابط بین آن‌ها شکل بگیرد (از کیا، ۱۳۸۴: ۹۷)؛ اما همه‌ی اندیشمندان سرمایه‌ی اجتماعی را مؤلفه‌ای با اثرات و ابعاد تماماً مثبت نمی‌دانند. در نتیجه باید توجه شود که از چه نوع سرمایه‌ی اجتماعی دفاع می‌شود.

برحسب نوع رابطه، پاتنام (۱۹۹۵)، وانگ و همکاران (۲۰۱۸)، بین دو نوع سرمایه اجتماعی تمایز قائل شده است: سرمایه اجتماعی مقیدساز و سرمایه اجتماعی پل‌زننده. سرمایه اجتماعی مقیدساز، گره اجتماعی بین اعضای همگون جامعه نظیر اعضای خانواده و اعضای گروه‌های مذهبی است. سرمایه اجتماعی پل‌زننده، اتصال سست بین اعضای گروه‌های ناهمگون نظیر گروه‌های خدمات جوانان است (Putnam, 2000: 20).

سرمایه اجتماعی مقیدساز، از طریق اعتماد درون گروه‌های بسته ایجاد می‌شود که اغلب منجر به بیرون نگه داشتن غیر اعضا و خصومت میان گروهی می‌شود. برای مثال، صنعت ساخت‌وساز آمریکا، تحت تسلط مهاجران ایتالیایی، ایرلندی یا لهستانی قرار داشت و ورود تازه‌واردان به این صنعت دشوار بود. سرمایه اجتماعی مقیدساز در اعمال هنجارهای اجتماعی مؤثر است، ولی به‌طور معمول به مانعی برای حرکت آزاد اطلاعات در میان شبکه‌های اجتماعی تبدیل می‌شود (Lee, 2018: 39). سرمایه اجتماعی «مقیدساز» درون گروه توسعه می‌یابد و افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها را به هم مقید می‌سازد.

همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد، غالباً برای مقابله با آن‌چه تهدید جهانی شدن خوانده می‌شود از تقویت سرمایه‌ی اجتماعی دفاع می‌شود؛ اما طبق بررسی‌های

انجام شده تاکنون نه جهانی‌شدن فقط تهدید است و نه سرمایه‌ی اجتماعی مفهومی به تمامی مثبت. یک انتقاد رایج به بورديو، کلن و پاتنام این است که در توضیح‌شان از پیامدها یا تأثیرات سرمایه‌ی اجتماعی، در زمینه‌ی سنجش مؤثر قابلیت‌های منفی آن ناکام بوده‌اند. با وجود این به موازات گسترش این حوزه، یک بررسی نسبتاً محتاطانه‌تر از اثراتش نیز به عمل آمد.

در مقابل این منافع سرمایه اجتماعی، می‌توان تعدادی از پیامدهای منفی بالقوه‌ی آن را نیز شناسایی کرد. برخی شبکه‌های اجتماعی، همانند گروه‌های تروریستی یا عملیات مافیایی، آشکارا می‌توانند از سرمایه‌ی اجتماعی‌شان برای اهداف مخرب و نامطلوب استفاده کنند. همانند مورد روسیه که به‌قدر کافی گویاست، وجود نهادهای عمومی ضعیف و شکاف‌های عمیق بین مقامات قدرتمند و شهروندان عادی و وجود گروه‌های مافیایی مختلف به بی‌ثباتی سیاسی، فساد فراگیر، افزایش نابرابری و فرار سرمایه منجر شده است (Rose, 2014: 147).

جان فیلد (۱۳۹۵) به امکان «فساد انگیز» بودن سرمایه‌ی اجتماعی اشاره کرده است. از نظر او «اجتماعی‌گری در واقع چاقوی دولبه‌ای است که از هر دو طرف می‌برد. به همان میزان که تعاون برای دستیابی به اهداف برای اعضای شبکه‌ها و مردم سودمند است، به همان اندازه سوءاستفاده از سرمایه‌ی اجتماعی در اهداف اقتصادی و اجتماعی فساد انگیز است» (فیلد، ۱۳۹۳: ۱۲۷). به هر حال می‌توان تفاوت‌های بین شبکه‌های اجتماعی مولد و شبکه‌های فسادانگیز تعریف کرد. شبکه‌های اجتماعی مولد شبکه‌هایی هستند که ستاده‌های مطلوبی، هم برای اعضای خود و هم برای جامعه ایجاد می‌کنند و شبکه‌های فسادانگیز شبکه‌هایی هستند که نتایج مثبتی برای اعضای خود و نتایجی منفی برای بقیه جامعه به وجود می‌آورند؛ اما گاهی فساد و فساد انگیزی هدف عمده شبکه است درحالی که بعضی اوقات محصول ثانویه یا فرعی یا غیرعمدی شبکه است. عضویت در شبکه‌ها ممکن است آثار فسادانگیز غیرعمدی نیز به وجود آورد. این حالت زمانی پیش می‌آید که اعضای شبکه در یک همکاری برنامه‌ریزی شده (عمدی) برای حصول احتمالی هدفی خاص گرد هم می‌آیند، ولی این کار آن‌ها عوارضی جانبی و فاسدی ایجاد می‌کند که جزو خواسته‌ها و اهداف آنان نبوده است؛ مثلاً در اتحاد شوروی سابق، سیستم‌های کارچاق‌کنی با پارتی‌بازی به افراد لطف می‌کردند که برای بسیاری از افراد ناشناخته ایجاد هزینه می‌نمود.

وولکاک (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که در جوامع (اجتماعات)

1. Bonding social capital
2. Bridging social capital

با سطح بالای سرمایه‌ی اجتماعی پل‌زننده و احتمالاً بهره‌مند از رونق اقتصادی و نظم اجتماعی، دولت و جامعه می‌توانند مکمل هم باشند؛ اما در مواردی که اساساً سرمایه اجتماعی یک جامعه، در گروه‌های اولیه‌ی اجتماعی جدا از هم‌ریشه دارند، گروه‌های قوی‌تر، با طرد دیگر گروه‌ها، بر دولت مرکزی یا ادارات محلی مسلط می‌شوند. چنین جوامعی از جمله کشورهای آمریکای لاتین که جمعیت‌های بومی محروم زیادی دارند دارای ویژگی تعارض پنهان هستند. (Fox and Brown, 2005) این تعارضات خود را در سطح برنامه‌ریزی شهری و اجرای برنامه‌ها به شدت نشان می‌دهد و گروه‌های که توانسته‌اند بر دولت مرکزی و ادارات محلی حاکم شوند می‌توانند آن را به نفع خود تغییر دهند.

از سویی همان‌گونه که در بالا اشاره شد جهانی‌شدن شبکه‌ای است پیچیده و به سرعت گسترش یافته از پیوندها و وابستگی‌های متقابل که وجه زندگی مدرن به شمار می‌رود. اگر جهانی‌شدن را به عنوان یک جریان و روند اجتماعی پویا که در آن قیدوبندهای جغرافیایی حاکم بر روابط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و... تضعیف شده است در نظر بگیریم، به سادگی و با توجه به آن چه در بالا گفته شد می‌توان فهمید که با سرمایه‌ی اجتماعی رابطه‌ای دوسویه خواهد داشت. از آنجا که در این پدیده افزایش ارتباطات جوامع با یکدیگر و افزایش امکان تأثیرگذاری جامعه‌ای بر جوامع دیگر، افزایش روابط اجتماعی با پیشرفت حمل‌ونقل و ارتباطات مخصوصاً تلویزیون، تلفن و اینترنت آسان‌تر و ارزان‌تر و انتشار عقاید در سطح جهانی تسهیل شده است. حتماً بر سرمایه‌ها و پیوندهای اجتماعی جوامع تأثیر خواهند داشت؛ بنابراین نقش و عضویت افراد در چنین شبکه‌ای بر مبنای نوع مشارکت آنان صرفاً بر اساس محل زندگی‌شان معین نمی‌شود. بلکه ارتباطاتی که جامعه جهانی پی‌ریزی می‌کند موجب تغییرات عمده‌ای می‌شود (افراخته، ۱۳۸۱: ۱۵۳). ارجاع شده در موسی کاظمی و همکاران، (۱۳۹۵: ۵۰۰). از سوی دیگر با توجه به آن چه که در بالا گفته شد دو نوع سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز و پل‌زننده وجود دارد که بر چگونگی این رابطه‌ی جوامع با جهان بزرگ‌تر نیز تأثیر دارد. اگر جهانی‌شدن در جامعه‌ای رخ بدهد که سرمایه‌ی اجتماعی پیونددهنده‌ی قوی داشته باشند متفاوت از جامعه‌ای خواهد بود که سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز در آن حاکم است. (رهنما، ۱۳۸۶: ۵۵).

۳-۲. برنامه‌های شهری، سرمایه‌ی اجتماعی و مواجهه با جهانی‌شدن

برنامه‌های توسعه‌ی شهری بنا به خاصیت توسعه‌ای و رابطه‌ای که با انسان‌ها و محیط زندگی آن‌ها برقرار می‌کنند از مهم‌ترین ابزارهای هستند که میزان سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه را تحت تأثیر قرار داده و می‌توانند در دستیابی به اهداف خود نیز از آن بهره ببرند.

رویکردهای «مردم‌منا» و «مشارکت محور» جایگزین معاصری برای رویکردهای نخبه‌گرا و از بالا به پایین هستند. توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی در برنامه‌ریزی شهری و همچنین انجام تحقیقات متعدد که نمایانگر تأثیر این ابعاد بر عرصه زندگی شهری به نحای مختلف می‌باشد، سبب اهمیت پیدا کردن این مفاهیم در برنامه‌ریزی شهری دنیا شده است؛ اما باید در نظر داشت که چه نوع سرمایه‌ی اجتماعی توسط سیستم برنامه‌ریزی شهری ایجاد یا ترویج می‌شود. در غیر این صورت ایجاد اشکال منفی و مقیدکننده سرمایه‌ی اجتماعی محتمل است که نه تنها نمی‌تواند از امکان‌های موجود در جهانی‌شدن استفاده کند بلکه تشدیدکننده‌ی تهدیدهای نیز خواهد بود.

نظام تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری با هر سیستم برنامه‌ریزی و حکومتی از سه رکن اساسی ۱- رویکرد نظری برنامه‌ریزی، ۲- رویه‌ها و روش‌های تهیه و تصویب ۳- اجرا تبعیت می‌کند. (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۹۵: ۶۷)

که در این میان رویکرد نظری برنامه‌ریزی از اهمیت به مراتب بیشتری برخوردار است؛ چرا که الگوهای تصویب و نحوه اجرای طرح‌های توسعه شهری به‌طور منطقی و طبیعی از آن نشأت می‌گیرد. (Oduwaye, 2013: 1193) رویکردهای موجود در برنامه‌ریزی شهری را که غالباً در کشورهای درحال توسعه به آن توجه شده است می‌توان در سه دسته‌ی کلی بیان کرد: برنامه‌ریزی جامع، برنامه‌ریزی سیستمی و برنامه‌ریزی مشارکتی (سیف‌الدینی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۹). اولین مرحله در بررسی برنامه‌ها و طرح‌های شهری بررسی رویکرد کلی آن‌هاست.

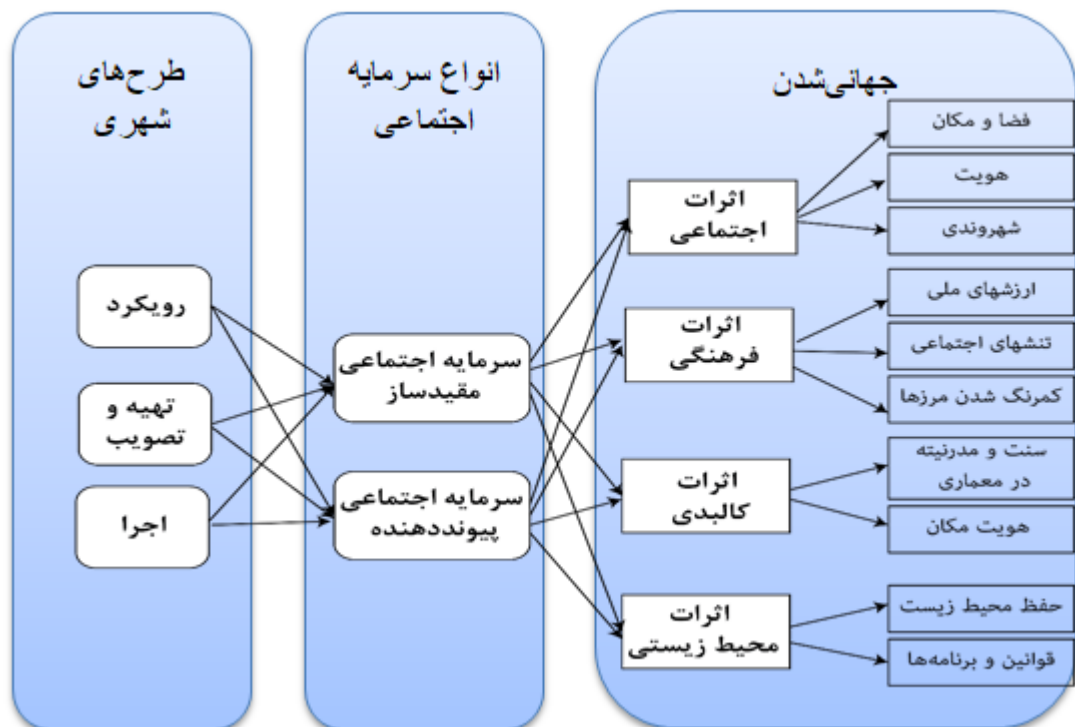
جدول ۲- تحول نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در قرن بیستم

نظریه	دوره نفوذ	مبانی اجتماعی و فکری	اهداف کلان	الگوی طرح‌های توسعه
برنامه‌ریزی جامع	۱۹۶۰-۱۹۲۰	- مدیریت متمرکز دولتی - خردگرایی و پوزیتیویسم	- توسعه کلان اقتصادی - ساماندهی کالبدی	- طرح‌های کلان توسعه و عمران - طرح‌های جامع- تفصیلی
برنامه‌ریزی سیستمی	۱۹۸۰-۱۹۶۰	- نگرش سیستمی به جهان - مدیریت علمی و فنی سیستم‌ها	- بهسازی سیستم‌های اجتماعی - هدایت و نظارت سیستم شهر	- طرح‌های ساختاری- محلی - طرح‌های استراتژیک - مدلسازی سیستم‌های شهری
برنامه‌ریزی مشارکتی (دموکراتیک)	تاکنون-۱۹۸۰	- جامعه مدنی و دموکراسی - اعتقاد به خرد جمعی - تأکید بر ارزش‌های بومی و محلی	- تأمین توسعه پایدار - تأمین عدالت اجتماعی - مدیریت مشارکتی و محلی	- سلسله‌مراتب طرح‌های توسعه - تنوع گزینه‌ها و پروژه‌ها - برنامه‌ریزی فرایندی و تدریجی

منبع: سیف‌الدینی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۹

در قدم بعدی فرایند تهیه و تصویب طرح که بسته به طرح‌های مختلف متفاوت است بررسی خواهد شد؛ و در نهایت مرحله اجرای برنامه‌ها و طرح‌های شهری که بیشترین تأثیر را در فضای شهری در پی دارند.

در نتیجه مدل نظری این پژوهش بر مبنای سه مؤلفه‌ی رویکرد نظری، تهیه و تصویب و اجرا که هر یک می‌توانند به‌نوبه‌ی خود ایجادکننده، تقویت‌کننده و یا تخریب‌کننده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز یا پیونددهنده باشند شکل می‌گیرد. دو نوع سرمایه‌ی اجتماعی مذکور نیز می‌توانند امکان‌هایی که جهانی‌شدن در ابعاد مختلف برای شهرها و اجتماعات به دنبال دارند، تعیین کنند؛ امکان‌هایی که می‌توانند به‌مثابه فرصتی برای توسعه عمل کنند یا اثرات مخربی بر شهرها و اجتماعات داشته باشند.



نمودار ۲: مدل نظری پژوهش منبع: نگارندگان ۱۳۹۸

۳. روش پژوهش

پژوهش مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی با رویکرد آمیخته (کمی و کیفی) و از آنجا که شهر تهران بیش از دیگر شهرهای کشور در معرض اثرات جهانی شدن بوده است، به عنوان شهر مورد مطالعه‌ی این پژوهش انتخاب شده است. به این ترتیب، سند پایه‌ی مورد بررسی در این پژوهش نیز آخرین طرح جامع تهران خواهد بود. همچنین جامعه‌ی آماری پژوهش از میان متخصصین حوزه شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری در شهر تهران انتخاب شده‌اند که بیشترین درگیری و آشنایی را برنامه‌ها و طرح‌های تفصیلی یا موضوعی - موضوعی - و در پس آن با پیامدهای جهانی شدن - در این شهر داشته‌اند. از میان سه روش کلی نمونه‌گیری شامل انباشته یا کومه‌ای، قضاوتی و تصادفی یا احتمالی، این مقاله در انتخاب متخصصین نمونه‌گیری قضاوتی را برگزیده است. در این روش بر اساس داوری افراد آگاه و مطلع با خود پژوهشگر بخشی از جامعه انتخاب می‌شوند. از میان ۵۰۰۰ نفر متخصص فعال در این رشته که در شهر تهران قرار دارند و با به‌کارگیری فرمول کوکران حجم نمونه‌ی مورد بررسی در این پژوهش ۳۵۶ نفر تعیین شده است.

ابزار پژوهش در این مقاله پرسشنامه است. در این پژوهش از پرسشنامه‌های محقق ساخته استفاده شده است که بر پایه‌ی چارچوب نظری و پژوهش‌های انجام شده و در راستای اهداف و پرسش پژوهش تدوین گردیده است. این پرسشنامه حاوی ۸۶ پرسش است و این پرسش‌ها نظرات متخصصین در باب رابطه‌ی میان مؤلفه‌های مورد بررسی پژوهش را گردآوری کرده‌اند.

جدول ۳: تعداد گویه‌های هر شاخص

تعداد گویه‌ها	شاخص‌ها
۱۲	رابطه‌ی رویکرد طرح و سرمایه‌ی اجتماعی
۱۶	رابطه‌ی فرایند تهیه و تصویب طرح و سرمایه‌ی اجتماعی
۶	رابطه‌ی نحوه اجرای طرح و سرمایه‌ی اجتماعی
۱۴	رابطه سرمایه اجتماعی و اثرات اجتماعی جهانی شدن
۱۲	رابطه سرمایه اجتماعی و اثرات فرهنگی شهری جهانی شدن
۸	رابطه سرمایه اجتماعی و اثرات کالبدی جهانی شدن
۸	رابطه سرمایه اجتماعی و اثرات زیست‌محیطی شهری جهانی شدن

منبع: نگارندگان ۱۳۹۸

از آنجا که مؤلفه‌های پژوهش در پرسشنامه کیفی هستند، در تحلیل یافته‌های گردآوری شده از پرسشنامه از آزمون خی دو و برای بررسی رابطه دو متغیر از سنجش تفاوت فراوانی گزینه‌ها استفاده شده است. اگر گزینه‌های انتخابی افراد برای سؤالاتی که هر فرضیه را می‌سنجند تفاوت معنی‌داری نداشته باشند در نتیجه می‌توان گفت دو متغیر از هم مستقل هستند؛ یعنی از نظر جامعه رابطه معنی‌داری بین این دو متغیر وجود ندارد.

۴. یافته‌های پژوهش

نمونه‌ی مورد بررسی در این پژوهش متشکل از متخصصان حوزه‌ی برنامه‌ریزی شهری در شهر تهران هستند و از نظر تحصیلات ۴۵ درصد (۱۶۴ نفر) دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۳۲ درصد (۱۱۶ نفر) کارشناسی و ۲۲ درصد (۸۵ نفر) نیز دارای مدرک دکتری هستند. همچنین حوزه‌ی فعالیت پاسخگویان به دو دسته‌ی مدیر مرتبط و مدیر متخصص تقسیم شده است که ۴۰.۹ درصد (۱۵۰ نفر) را مدیران مرتبط و ۵۹.۱ درصد (۲۱۵ نفر) را مدیران متخصص تشکیل داده‌اند. از این میان تعداد ۱۷۵ نفر (۴۷.۹ درصد) در بخش دولتی و ۱۹۰ نفر (۵۲.۱ درصد) نیز در بخش خصوصی در حال فعالیت‌اند. نهایتاً پرسش‌نامه‌ها ۱۳ بیانیه به شرح زیر را که بر روابط میان گویه‌های پژوهش (جدول ۳) دلالت دارند، مورد بررسی قرار می‌دهند:

- رویکرد فعلی طرح جامع موجب تقویت سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز می‌شود.
- رویکرد مشارکتی طرح می‌تواند به تقویت سرمایه‌ی اجتماعی پل‌زننده بیانجامد.
- فرایند موجود تهیه طرح‌های توسعه شهری موجب تشدید سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز می‌شود.
- فرایند موجود تصویب طرح‌های توسعه شهری موجب تشدید سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز می‌شود.
- فرایند موجود اجرای طرح‌های توسعه شهری موجب تشدید سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز می‌شود.
- سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز موجب تشدید اثرات اجتماعی منفی جهانی شدن می‌شود.
- سرمایه‌ی اجتماعی پیونددهنده موجب تقویت اثرات اجتماعی مثبت جهانی شدن می‌شود.
- سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز موجب اثرات منفی فرهنگی جهانی شدن می‌شود.
- سرمایه‌ی اجتماعی پیونده دهنده موجب اثرات مثبت فرهنگی جهانی شدن می‌شود.

- سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز موجب تشدید اثرات کالبدی منفی جهانی شدن می‌شود.
- سرمایه‌ی اجتماعی پیونددهنده موجب تقویت اثرات کالبدی مثبت جهانی شدن می‌شود.
- سرمایه اجتماعی مقیدساز موجب اثرات منفی زیست‌محیطی جهانی شدن می‌شود.
- سرمایه اجتماعی پیونده دهنده موجب اثرات مثبت زیست‌محیطی جهانی شدن می‌شود.

چنان‌که جدول ۴ نشان می‌دهد، تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ها درباره‌ی این بیانیه‌ها با استفاده از آزمون چوپروف نشان از معناداری آن‌ها دارد و به این ترتیب صحت تمامی این بیانیه‌ها فرضیه‌ی پژوهش را تأیید می‌کند.

جدول ۴: نتایج روابط مدل نظری پژوهش

بیانیه	رابطه	معناداری	چوپروف
۱	رویکرد طرح جامع و سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز	√	۲۳.۳۵
۲	رویکرد مشارکتی طرح و سرمایه‌ی اجتماعی پل‌زننده	√	۷۰.۰۵
۳	فرایند تهیه طرح جامع و سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز در شهر تهران	√	۱۳.۱۶
۴	فرایند تصویب طرح جامع و سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز در شهر تهران	√	۴۱.۸۰
۵	فرایند اجرای طرح جامع و سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز در شهر تهران	√	۲۹.۵۳
۶	سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز و تشدید اثرات کالبدی منفی جهانی شدن	√	۲۱.۷۶
۷	سرمایه‌ی اجتماعی پیونددهنده و تقویت اثرات کالبدی مثبت جهانی شدن	√	۲۵.۸۳
۸	سرمایه اجتماعی مقیدساز و اثرات منفی زیست‌محیطی جهانی شدن.	√	۲۹.۵۳
۹	سرمایه اجتماعی پیونده دهنده و اثرات مثبت زیست‌محیطی جهانی شدن	√	۸.۴۲
۱۰	سرمایه اجتماعی مقیدساز و اثرات منفی اجتماعی جهانی شدن.	√	۱۰.۳۱
۱۱	سرمایه اجتماعی پیونده دهنده و اثرات مثبت اجتماعی جهانی شدن	√	۲۵.۶۶
۱۲	سرمایه اجتماعی مقیدساز و اثرات منفی فرهنگی جهانی شدن.	√	۲۸.۰۴
۱۳	سرمایه اجتماعی پیونده دهنده و اثرات مثبت فرهنگی جهانی شدن	√	۲۷.۲۷

منبع: نگارندگان ۱۳۹۸

در طرح جامع تهران ۱۳۸۶، چشم‌انداز توسعه بلندمدت این شهر این‌گونه توصیف شده است:

- تهران؛ شهری با اصالت و هویت ایرانی - اسلامی (شهری که برای رشد و تعالی انسان و حیات طیبه، سامان می‌یابد) تهران؛ شهری دانش‌پایه، هوشمند و جهانی)
- تهران؛ شهری سرسبز و زیبا، شاداب و سرزنده با فضاهای عمومی متنوع و گسترده
- تهران؛ شهری امن و مقاوم در برابر انواع آسیب‌ها و مقاوم در برابر مخاطرات و سوانح
- تهران؛ شهری پایدار و منسجم با ساختاری مناسب برای سکونت، فعالیت و فراغت
- تهران؛ شهری روان با رفاه عمومی و زیرساخت‌های مناسب، همراه با تعدیل نابرابری‌ها و تأمین عادلانه کلیه حقوق شهروندی
- تهران؛ کلانشهری با عملکردهای ملی و جهانی و با اقتصادی مدرن و مرکزیت امور فرهنگی - پژوهشی و سیاسی در سطح کشور و حداقل یکی از سه شهر مهم و برتر منطقه آسیای جنوب غربی

آن‌چه واضح است در همه‌ی بندهای این چشم‌انداز اثرات جهانی شدن و مواجهه با آن‌ها موردتوجه قرار گرفته است؛ اما همان‌گونه که در آزمون فرضیات مشخص شد از نظر متخصصین این حوزه طرح جامع در شکل حاضر بیشتر موجب تقویت سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز می‌شوند و در نتیجه موجب تشدید اثرات منفی جهانی شدن می‌شوند.

اگرچه رویکردهای «مردم‌مبنا» و «مشارکت‌محور» بسیار تکرار می‌شوند و اما در عمل و در مواجهه با جهانی شدن

آنچه شاهدش هستیم غیر از این را نشان می‌دهد؛ یعنی برخلاف تصورات نشانه‌ها حاکی از حذف شدن و کنار گذاشته شدن آن‌ها می‌شود که در کلام قرار بود وارد فرایند برنامه‌ریزی شوند.

اما طبق تحلیل‌ها و نظرات متخصصین این حوزه طرح‌های شهری به کلی و طرح جامع به‌طور خاص پتانسیل تشدید سرمایه‌ی اجتماعی پل زنده را دارند و اگر به درستی و به‌صورت مشارکتی طراحی اجرا شوند می‌توانند موجب تشدید سرمایه‌ی اجتماعی پل زنده و همچنین تقویت امکان‌های مثبتی است که جهانی شدن در خود دارد.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

درنهایت می‌توان بیان نمود که در این پژوهش سرمایه اجتماعی با توجه به تعاریفی که ارائه شد به دو دسته سرمایه اجتماعی مقیدساز و پل زنده قابل تقسیم است و تلاش شد از تعریف مقدماتی و اولیه از سرمایه اجتماعی و تقسیم آن صرفاً به مقولات مشارکت، اعتماد و ... خودداری شود. در همین راستا رابطه‌ی بخش‌های مختلف طرح‌های شهری شامل رویکرد، تهیه و تصویب و اجرا با تولید این دو نوع سرمایه اجتماعی سنجیده شد. در ادامه رابطه‌ی هر کدام از این دو نوع سرمایه‌ی اجتماعی با ابعاد مختلف جهانی‌شدن نیز از نظر متخصصین این حوزه سنجیده شده است. هدف کلی از این کار بررسی این امر بود که آیا طرح‌های شهری در هنگام مواجهه با جهانی‌شدن موجب تقویت اثرات مثبت آن می‌شوند و یا تشدید اثرات منفی آن. بنابراین، این که چه نوع سرمایه‌ی اجتماعی توسط مدیریت شهری ایجاد یا ترویج می‌شود باید مورد توجه قرار گیرد که اگر این مسئله در نظر گرفته نشود ممکن است به ایجاد شکل‌های منفی و مقیدکننده‌ای از سرمایه‌ی اجتماعی بیانجامد که نه تنها نمی‌تواند از امکان‌های موجود در جهانی‌شدن استفاده کند بلکه به تشدید تهدیدهای آن منجر می‌شود.

پیشنهادات کاربردی این پژوهش را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

- استفاده از رویکرد مشارکتی در تهیه طرح‌ها در راستای تقویت سرمایه‌ی اجتماعی پیونددهنده.
- غالباً رویکرد جامع و بالا به پایین حاکم بر طرح‌های شهری با توجه یافته‌های این پژوهش موجب تقویت سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز در جامعه و همچنین بین گروه‌های منتفع از آن شده است؛ بنابراین برای تغییر این روند باید به‌صورت جدی‌تر تلاش شود تا با تقویت فرایندهای

مشارکتی‌تر تمام گروه‌های ذینفع در طرح‌های شهری در فرایند تهیه طرح وارد شوند.

توجه به سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده و مقیدساز درگیر در فرایند تهیه و تصویب طرح‌ها.

ابتدا باید در مورد هر طرح شهری سؤال شود که چه گروه‌هایی در فرایند تهیه و تصویب آن‌ها دسته بالاتر را دارند و آیا این فرایند صرفاً باعث تقویت سرمایه‌ی اجتماعی درون گروهی آن‌ها می‌شود یا کل جامعه را در برمی‌گیرد. اگر این طرح‌ها صرفاً توسط گروه‌های خاصی تهیه و تصویب می‌شوند باید امکان ورود دیگر گروه‌ها نیز در این فرایند فراهم شود.

توجه به رویکردهای تقویت‌کننده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی پیونددهنده در هنگام اجرا.

در هنگام اجرا نیز باید رویه‌های اجرایی متناسب با وضعیت و در جهت تقویت سرمایه‌ی اجتماعی پیونددهنده تنظیم شوند.

منابع

- براتی، ناصر و یزدان پناه شاه‌آبادی، محمدرضا (۱۳۹۴) ارزیابی سرمایه اجتماعی به عنوان عامل اساسی در ارتقاء کیفیت زندگی در شهرهای جدید، نمونه موردی: شهر جدید پردیس، فصلنامه آرنشهر، دوره ۸، شماره ۱۵، صص: ۲۸۹-۲۹۹.
- پیران، پ. (۱۳۹۱). مشارکت اجتماعی در ایران: از امتناع تا راهبرد بدون جایگزین. تهران: نشر جامعه شناسان.
- پیران، پ. (۱۳۹۲). مبانی مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی. نشر علم.
- تهرانیان، مجید و اصغر افتخاری (۱۳۸۱). جهانی‌شدن: چالش‌ها و ناامنی‌ها. ویراسته علی حیدری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دانشپور، سیدعبداللهادی؛ بهزادفر مصطفی؛ برک‌پور ناصر؛ و مرجان شرفی. (۱۳۹۶). محیط برنامه‌ریزی مشارکتی؛ ارائه مدل مفهومی برای تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی، دو فصلنامه دانشگاه هنر: نامه معماری و شهرسازی، دوره ۹، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص: ۲۳-۴۲.
- قوام، س. (۱۳۸۴). جهانی‌شدن و جهان سوم. تهران: نشر سیاسی و مطالعات بین‌الملل.
- کلن، ج. (۱۳۸۶). بنیادهای نظریه اجتماعی. تهران: نشر نی.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). «نگاهی به مفهوم و نظریه‌های جهانی‌شدن». فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۱، صص: ۸۵-۱۱۶.
- مصطفی ازکیا و غلامرضا غفاری. «جامعه شناسی توسعه». انتشارات کیهان، ۱۳۸۴.
- موسی کاظمی، مهدی؛ ابراهیم‌زاده عیسی؛ تالشی مصطفی؛ و شیبانی امین، عیسی. (۱۳۹۵). فرایند جهانی‌شدن و تأثیر آن بر توسعه شهری - منطقه‌ای (مطالعه موردی: چابهار در جنوب شرق ایران)، نشریه مدیریت شهری، شماره ۴۳، صص ۴۹۹-۵۱۴.

- DC: Brookings Institution Press, pp. 135-151.
- Milner, Wesley T. (2002). "Economic Globalization and Rights: An Empirical Analysis". In Alison Brysk (Ed.), 2002, *Globalization and Human Rights*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press, pp. 77-97.
 - Osborne, C., Baldwin, C., & Thomsen, D. (2016). Contributions of social capital to best practice urban planning outcomes. *Urban Policy and research*, 34(3), 212-224.
 - Perraton, Jonathan; David Goldblatt; David Held, and Anthony McGrew (1997). "The globalisation of economic activity". *New Political Economy*, Vol. 2, No. 2, pp. 257-277.
 - Putnam, Robert D. (1995). "Bowling alone: America's declining social capital". *Journal of Democracy*, Vol. 6, No. 1, pp. 65-78.
 - Putnam, Robert D. (2000). *Bowling alone. The collapse and revival of American community*. New York and London: Simon & Schuster.
 - Richardson, Harry W., and Chang-Hee C. Bae (2005). "Introduction". In Harry W. Richardson Chang-Hee C. Bae (Eds.), 2005, *Globalization and Urban Development*. Berlin: Springer, pp. 1-10.
 - Rosendorf, Neal M. (2000). "Social and Cultural Globalization: Concepts, History, and America's Role". In Joseph S. Nye and John D. Donahue (Eds.), 2000, *Governance in a Globalizing World*. Washington, DC: Brookings Institution Press, pp. 109-134
 - Ryu, H., Lee, J. S., & Lee, S. Y. (2017). Participatory Neighborhood Revitalization Effects on Social Capital: Evidence from Community Building Projects in Seoul. *Journal of Urban Planning and Development*, 144(1), 04017025.
 - Serageldin, Ismail, and Christiaan Grootaer (2000). "Defining Social Capital: An Integrating View". In Ismail Serageldin and Partha Dasgupta (Eds.), 2000, *Social Capital: A Multifaceted Perspective*. Washington, D.C.: The World Bank, pp. 40-58.
 - Silver, Christopher (2005). "Do the donors have it right? Decentralization and changing local governance in Indonesia". In Harry W. Richardson Chang-Hee C. Bae (Eds.), 2005, *Globalization and Urban Development*. Berlin: Springer, pp. 95-108.
 - Svendsen, G. Tinggaard, and Gunnar L. H. Svendsen (2009). "The troika of sociology, political science and economics". In Gert T. Svendsen and Gunnar L. H. Svendsen (Eds.), 2009, *Handbook of Social Capital: The Troika of Sociology, Political Science and Economics*. Cheltenham and Northampton: Edward Elgar Publishing Limited, pp. 1-13.
 - Tomlinson, John (1999). *Globalization and Culture*. Cambridge: Polity Press.
 - Vilar, K., & Cartes, I. (2016). Urban design and social capital in slums. Case study: Moravia's neighborhood, Medellin, 2004-2014. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 216, 56-67.
 - Wang, Zhan; Regina McNally; and Helena Lenihan (2018). "The role of social capital and culture on social decision-making constraints: A multilevel investigation". *European Management Journal*, Vol. xxx, pp. 1-11.
 - Allison, Graham (2000). "The Impact of Globalization on National and International Security". In Joseph S. Nye and John D. Donahue (Eds.), 2000, *Governance in a Globalizing World*. Washington, DC: Brookings Institution Press, pp. 72-85.
 - Brysk, Alison (2002). "Introduction: Transnational Threats and Opportunities". In Alison Brysk (Ed.), 2002, *Globalization and Human Rights*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press, pp. 1-16.
 - Chakravorty, Sanjoy (2005). "Urban development in the global periphery: The consequences of economic and ideological globalization". In Harry W. Richardson Chang-Hee C. Bae (Eds.), 2005, *Globalization and Urban Development*. Berlin: Springer, pp. 29-39
 - Das, Dilip K. (2004). *The Economic Dimensions of Globalization*. New York: Palgrave Macmillan Ltd.
 - Gittel, Ross, and Avis Vidal (1998). *Community Organizing: Building Social Capital as a Development Strategy*. Thousand Oaks and London: Sage Publications.
 - Grębosz, Magdalena, and Andrej Hak (2015- "Multidimensional character of globalization". *Zeszyty Naukowe Politechniki Lodzkiej, Organizacja Zarządzanie*, Z. 59, pp. 69-82.
 - Held, David (1997c). "Globalization and cosmopolitan democracy". *Peace Review*, Vol. 9, No. 3, pp. 309-314.
 - Held, David, and Pietro Maffettone (2017). "Moral Cosmopolitanism and Democratic Values. *Global Policy*, Vol. 8, Supplement. 6, pp. 54-65.
 - Held, David; Anthony McGrew; David Goldblatt; and Jonathan Perraton (1999). "Globalization". *Global Governance*, Vol. 5, No. 4, pp. 483-49.
 - Holman, N., & Rydin, Y. (2013). What can social capital tell us about planning under localism?. *Local government studies*, 39(1), 71-88.
 - Keohane, John D., and Joseph S. Nye (2000). "Introduction". In Joseph S. Nye and John D. Donahue (Eds.), 2000, *Governance in a Globalizing World*. Washington, DC: Brookings Institution Press, pp. 1-41
 - Khan, Haider (2013). "Globalization and Democracy: A Short Introduction". MPRA (Munich Personal RePEc Archive) Paper No. 49515, 15 September 2013.
 - Kivilcim, Fulya (2014). "The Evolution of Globalization Process and Its Implications". In Ümit Hacıoğlu and Hasan Dincer (Ed.), 2014, *Managerial Issues in Finance and Banking: A Strategic Approach to Competitiveness*. New York and Dordrecht: Springer, pp. 51-66.
 - Krishna, Anirudh (2000). "Creating and harnessing social capital". In Ismail Serageldin and Partha Dasgupta (Eds.), 2000, *Social Capital: A Multifaceted Perspective*. Washington, D.C.: The World Bank, pp. 71-93.
 - Lee, Sanghoon (2018). "Social capital and health at the country level". *The Social Science Journal*, Vol.55, pp. 37-51.
 - Mayer-Schönberger, Viktor, and Deborah Hurley (2000). "Globalization of Communication". In Joseph S. Nye and John D. Donahue (Eds.), 2000, *Governance in a Globalizing World*. Washington,